

## راهکارهای ترویج و تعمیق معنویت در میان جوانان با تکیه بر بیانیه گام دوم انقلاب

سید سجاد جعفری<sup>۱</sup>، مهدی مهجوری<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان، قم، ایران (نویسنده مسئول [sayyedjafari313@gmail.com](mailto:sayyedjafari313@gmail.com))

<sup>۲</sup> گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان، قم، ایران

### چکیده

این مقاله به بررسی راهکار ترویج و تعمیق معنویت در میان جوانان در فضای مه‌آلود امروزی بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب می‌پردازد، ضرورت این تحقیق در چگونگی ترویج معنویت و تقویت باورهای مذهبی در جوانان است؛ یکی از شاخص‌هایی که رهبری در بیانیه گام دوم به‌عنوان راهبرد و سیاست کلان جمهوری اسلامی ایران مطرح فرمودند، مقوله "معنویت" است. حقیقت این که معنویت، گمشده قرن حاضر است و جامعه صنعتی زده، راحت‌طلب و مادی‌گرای بشری در قرون اخیر بیش از گذشته به‌جای پرداختن به این نیاز مهم بشری، به اهداف پیشرفت اقتصادی و تکنولوژی پرداخته است. رهبر معظم انقلاب، در این بیانیه به‌درستی به این ضرورت که نیاز بشر امروز است پرداخته‌اند و انقلاب اسلامی را احیاگر معنویت در دنیای نوین معرفی کرده‌اند. بدین منظور مقاله حاضر در بخش اول به برخی از عواملی که موجب دین‌گریزی در بین نسل جوان می‌شود پرداخته و در بخش دوم راهکارهایی برای جذب و گرایش و تقویت معنویت در دهه پنجم انقلاب (همچون تبیین صحیح مفاهیم دینی، نشان دادن چهره عقلانی از دین، تقویت دشمن‌شناسی در بین جوانان، بهره‌گیری از روش نوین در تبلیغ دین، ایجاد محیط معنوی در بین جوانان) ارائه کرده است. لازم به ذکر است این پژوهش با استفاده از روش توصیفی، تحلیلی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای در پی بررسی عوامل فوق می‌باشد.

**کلید واژه‌ها:** ترویج، تعمیق، معنویت، جوانان، گام دوم انقلاب، بیانیه رهبری.

## مقدمه

جوان و نیروی جوانی سرمایه بزرگی برای هر کشور محسوب می‌شود، ولی همین نیرو به سبب هیجانات و احساسات و غلبه عاطفه بر عقل در معرض انواع خطر قرار دارد. به همین سبب ارتباط با نسل جوان و تقویت باورهای مذهبی و معنویت، از مهم‌ترین مسائلی است که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم اشاره فرمودند و همچنین افکار پژوهشگران اجتماعی و کارگزاران حکومتی و دردمندان دین و مسئولان تعلیم و تربیت را به خود مشغول داشته است، توجه به نسل امروز و بررسی مشکلات و خواسته‌ها و مطالبات او در گذار از جهان تکنولوژی و تبلیغات و فضای مسموم‌کننده ناشی از پخش امواج کوتاه و بلند فرستنده‌های سمعی و بصری مسئله‌ای است که نمی‌توان به‌سادگی از کنار آن گذشت؛ زورمندان این دوران که تقریباً همه امکانات مادی و فناوری و سیستم ارتباطی را در اختیار داشته و به استخدام خود درآورده‌اند، می‌کوشند با مبارزان تبلیغاتی و هجوم وحشیانه فرهنگی، جوانان را با ایمان و باورهای دینی، بیگانه نمایند؛ مهم‌ترین روشی که نظام سلطه برای ورود در جامعه اسلامی برای تخریب جوانان بکار می‌برد روش فکری و فرهنگی است. دشمن از این طریق، به‌صورت پنهانی در جامعه دینی رخنه کرده تا مغز جوانان را تخریب و تهی کند، در این هنگام، بر جامعه اسلامی، دست اندران و متولیان نظام اسلامی است که برای مقابله با دشمن، روش‌های او را در عرصه فکری و فرهنگی بشناسند و با توجه به روش‌های دشمن، راهکار مقابله با آن ارائه دهند.

این نوشتار بر آن است که ابتدا ریشه‌های دین‌گریزی جوانان در جامعه اسلامی را مورد بررسی قرار دهد. سپس به راهکارهای تقویت معنویت و باورهای دینی در بین جوانان بپردازد. امید است این مقاله در این زمینه راهگشا باشد.

### ۱- محور اول: عوامل دین‌گریزی

دین یک امر ملکوتی است که باعث حیات مادی و معنوی انسان‌هاست و عمل به آن باعث عزت و شوکت فرد می‌شود. عمل نکردن و گریزان بودن از دین جریانی برخلاف فطرت و طبیعت انسان است از این‌رو باید به واکاوی علت‌ها و ریشه‌های آن پرداخت، که چه عاملی زمینه دین‌گریزی و دین‌ستیزی را فراهم می‌آورد. در این مقاله به چند عامل دین‌گریزی در جوانان اشاره می‌شود.

#### ۱-۱- اجبار و اکراه در دین

اعتقاد دینی و ایمان چیزی نیست که با اکراه و اجبار و یا شدت و غلظت صورت گیرد، بلکه چون از سنخ دل‌دادگی و پیوند قلبی با جلوه رحمانیت خداوند است، باید با شناخت، استدلال، اختیار و انتخاب آگاهانه همراه باشد و اصولاً در اموری که با قلب و جان انسان سروکار دارد، اکراه و اجبار بی‌معناست. دین‌داری، برخاسته از ایمان، معرفت و اعتقاد قلبی است، در آن اجبار و اکراه راهی نخواهد داشت تا تسلیم حقیقی و پیروی آگاهانه و عشق تحقق یابد.

در اموری که با دل و قلب آدمی ارتباط و پیوند دارد، اگر پای اجبار و اکراه به میان آید، نتیجه معکوس خواهد داد و چه بسا موجب روی گردانی دل و کوری آن گردد و آنچه از دل کور برخیزد، آسیب دیده، آفت زده و بی ارزش است. امام علی (علیه السلام) در کلامی می فرماید: (دلها را هوایی است و روی آوردن و پشت کردنی؛ پس دلها را آنگاه به کار گیرید که خواهان است و روی در کار؛ زیرا دل، اگر به ناخواه به کاری وادار شود، کور گردد) (نهج البلاغه: حکمت ۱۳۷)

خداوند در آیات متعددی بیان می فرماید که نباید دین و اعتقادات را بر کسی تحمیل کرد. در قرآن آمده است «در دین اکراه نیست؛ چراکه راه یابی (به راه راست) از بی راهی، به روشنی آشکار شده است.» (بقره: ۲۵۶) دین اجباری، مورد پذیرش اسلام نیست؛ زیرا دین که از یک سلسله اعتقادات قلبی ریشه می گیرد ممکن نیست تحمیلی باشد. زور و قدرت، در اعمال و حرکات بدنی و جسمانی انسان می تواند اثر بگذارد نه در افکار و اعتقادات که یک امر قلبی و دلی است. اسلام به هیچ وجه، زور و اکراه را تجویز نمی کند و برخلاف گمان بعضی ها، اسلام دین شمشیر نیست.

نه تنها وظیفه پیامبر (ص) تبلیغ دین بدون اجبار و اکراه بود؛ بلکه سایر انبیاء نیز دین الهی را بدون زور و جبر به مردم یادآور می شدند و آنان را به سوی فطرت خویش می خواندند؛ بنابراین، منطق الهی اجازه اکراه و اجبار در دین را نمی دهد و ایمان و باور دینی که برخاسته از اجبار باشد در واقع ایمان نیست.

امروزه هم باید سیره آن بزرگ تران سرمشق مبلغان دین قرار گیرد و از به کارگیری اجبار و اکراه در هدایت جوانان اجتناب گردد که نتیجه معکوس خواهد داشت. باید با رفتار و کردار خود، در دلها نفوذ کرد تا بدون فشار و توبیخ و اجبار آن را برگزینند.

## ۱-۲-۱- خشونت

دین پیام آور محبت و هدایت برای انسان هاست. اساس دین، با خشونت سازگار نیست و برای گسترش و تبلیغ آن، هیچ گاه توصیه به خشونت نمی کند. مدارا، نرمی و محبت، اگر در خدمت دین و سلوک دینی قرار گیرد، سبب گرایش مردم و جذب آنان به تعالیم الهی می گردد. برعکس اگر به نام دین و دین داری، خشونت به کار گرفته شود و چهره ای خشن و غلیظ از دین نمایانده شود، موجب گریز مردم و جوانان از دین و دین داری خواهد شد.

## ۱-۲-۱-۱- آفت خشونت ورزی

اگر به نام دین، خشونت صورت گیرد و کسانی که منتسب به آیین و دینی هستند، در این عرصه گام نهند و اعمالی خشن و ظالمانه به نام دین و دین داری انجام دهند، چهره دین برخلاف واقعیتی که دارد نمایانده می شود و آسیب جدی به دین و دین داری وارد می گردد علاوه بر این موجب تضعیف پایبندی مردم به دین می شود. خشونت ورزی و تندخویی از مبلغان دینی و

کسانی که در نظر مردم مرتبط با دین هستند، می‌تواند مانع هدایت مردم و جوانان گردد و سبب نفرت و گریز آنان از دین و امور دینی می‌شود. اعمال خشونت و تندی بی‌جا، گاهی موجب می‌شود حالت رکود و بی‌تفاوتی بر جامعه حاکم شود و در مواردی به ایجاد حرکت ضد دینی و ارتداد بینجامد؛ زیرا تنفر از شخص یا گروه، مردم را به گریز از فکر و اندیشه‌ای می‌کشاند.

با غلظت و خشونت نمی‌توان دل‌ها را صید کرد و آن‌ها را به‌طرف خدا و دین کشاند خداوند خطاب به پیامبر می‌فرماید: «از پرتو رحمت الهی در برابر آن‌ها نرم و مهربان شدی و اگر خشن بودی، از اطرافت پراکنده می‌شدند.» (آل عمران: ۱۵۹) خداوند به‌صراحت یاد آور شده است که این خوی نرم پیامبر بود که قلب‌ها را جذب کرد و الفت بخشید و جان‌های گریزان را گردآورد و اگر جز این بود، نه از اسلام خبری بود و نه از مسلمانی. خشونت ورزی به نام دین، گریز آور است و درشتی و سخت‌گیری بی‌مورد سبب ایجاد میل به گریز از دین در پاره‌ای از جوانان می‌گردد به‌ویژه هنگامی که نظام و حکومتی خود را دینی می‌پندارد و داعیه دینی بودن دارد. در اینجا مسئله بسیار حساس‌تر، بر متولیان و کارگزاران نظام دینی است که بیشتر مراقبت بر رفتار خویش و مأموران حکومتی و برنامه‌های دولت داشته باشند تا اثر ناخوشایندی در باورهای و عقاید مردم نگذارند.

نمونه بارز حکومتی که خود را منسوب به دین می‌دانست و با اعمال خشونت‌های ضد دین، موجب گریز مردم از دین شد، حکومت طالبان در افغانستان بود، اینان با جمود فکری، به نام اسلام و دین، خشونت‌بارترین اعمال را انجام دادند و چهره نورانی اسلام را در دید افرادی که از واقعیت اسلام خبر نداشتند خشن نشان داد. تا جایی که عده‌ای از مردم افغانستان خصوصاً جوانان به مسیحیت گرایش پیدا کردند.

### ۱-۲-۲- نقش خشونت‌های کلیسا در دین‌گریزی

در اینجا مناسب است به نقش کلیسا و کشیشان مسیحی در سوق دادن مردم به بی‌دینی و ضد خدایی در قرن وسطی سخن گفته شود تا معلوم گردد که تحمیل عقاید به‌صورت اجبار و با خشونت، چه آسیب‌های زیان‌بار و جبران‌ناپذیری بر پیکره دین و دین‌داری وارد می‌سازد و چگونه موجب بی‌دینی مردم می‌گردد.

استاد شهید مطهری در این باره می‌نویسد:

کلیسا علاوه بر عقاید خاص مذهبی، یک سلسله اصول علمی مربوط به جهان و انسان را که غالباً ریشه‌های فلسفی و یونانی و غیر یونانی داشت و تدریجاً مورد قبول علمای بزرگ مسیح قرار گرفته بود، در ردیف اصول و عقاید مذهبی قرارداد و مخالفت با آن علوم رسمی را جایز نمی‌شمرد؛ بلکه با شدت با مخالفان آن عقاید مبارزه می‌کرد، و با نوعی رژیم پلیسی خشن در جست‌وجوی

عقاید و ما فی الضمیر افراد بود و... کوشش می‌کرد کوچک‌ترین نشانه‌ای از مخالفت با عقاید مذهبی در فردی یا جمعی پیدا کند و با خشونت و وصف‌ناشدنی، آن فرد یا آن جمع را مورد آزار قرار دهد. این بود که دانشمندان و محققان جرئت نداشتند برخلاف آنچه کلیسا آن را علم می‌داند، بیندیشند، این فشار شدید بالطبع عکس‌العمل بسیار بدی نسبت به دین و مذهب به‌طور کلی ایجاد کرد. (مطهری ۱۳۸۹ ش، ج ۱: ص ۴۸۷)

کلیسا به استناد دستورات کتاب مقدس، دستگاه تفتیش عقاید را به وجود آورد که کارش تعقیب و مجازات و اعدام ملحدان بود. در اسپانیا در فاصله ۳۳۹ سال در حدود ۳۴۶۵۸ نفر زنده و ۱۸۰۴۹ نفر مرده سوزانده شدند. حدود ۲۸۸۲۱۴ نفر، محکوم به اعمال شاقه، کار اجباری و زندان همیشگی و بیش از ۲۰۰۰۰۰ نفر تا پایان عمر خود از همه حقوق بشری و انسانی محروم گشتند. (فرانکو مارتینلی ۱۴۰۴ ق، ص ۹۹-۱۰۰)

خشونت و اعمال خشن و دور از انسانیت کلیسا سبب شد تا گروه بسیاری از دانشمندان و مردم به‌سوی بی‌دینی و مادی‌گری بگردند و از هرچه به نام دین و مذهب است متنفر گردند. به‌تدریج کتاب‌ها و رساله‌های متعددی توسط اندیشمندان غربی بر ضد مسیحیت و کتاب مقدس نوشته شود. اگرچه برخی از این نویسندگان در واقع معتقد به وجود خدا بودند، ولی خدا و دینی را که مسیحیت و کلیسا معرفی می‌کرد، قبول نداشتند.

شهید مطهری درباره جنایت و تفتیش عقاید می‌نویسد:

مذهب که می‌بایست دلیل هدایت و پیام‌آور محبت باشد، در اروپا به این صورت درآمد که مشاهده می‌کنیم، تصور هرکس از دین و خدا و مذهب، خشونت بود و اختناق و استبداد، بدیهی است که عکس‌العمل مردم در مقابل چنین روشی، جز نفی مذهب از اساس و نفی آن چیزی که پایه اولی مذهب است، یعنی خدا، نمی‌توانست باشد. هر وقت و هر زمان که پیشوایان مذهبی مردم پوست پلنگ بپوشند و دندان ببر نشان می‌دهند و متوسل به تکفیر و تفسیق می‌شوند، مخصوصاً هنگامی که اغراض خصوصی به این صورت درمی‌آید، بزرگ‌ترین ضربت بر پیکر دین و مذهب به سود مادی‌گری وارد می‌شود. (مطهری ۱۳۵۷ ش: ص ۹۲)

### ۱-۳- به‌کارگیری شیوه‌های نادرست در رساندن حق

پیام حق را باید از شیوه درست بیان کرد بعضی بر این باورند که لازمه درست‌گویی درشت‌گویی است، از این‌رو چون بخواهند حرف حقی بگویند، با تندی می‌گویند؛ قرآن به ما شیوه چگونه درست سخن گفتن را می‌آموزد. هنگامی موسی مأمور به هدایت فرعون شدند فرمودند « اذهب الی فرعون انه طغی فقولاً له قولاً لینا لعله یتذکر او یخشی » (طه: ۴۳-۴۴) وقتی پیامبری مثل موسی تکلیف به نرم سخن گفتن با فرعون طغیانگر شدند تکلیف روشن است. سیره و روش معصومین (علیهم السلام) نیز

بر اساس روش قرآن بود. روزی ابن ابی العوجاء که از ملحدین و رجال مادی بود، با یکی از دوستانش در مورد جهان بدون آفریدگار بحث می‌کرد، مفضل از شاگردان امام صادق (علیه‌السلام) که شاهد این صحنه بود، با عصبانیت و شدت گفت: ای دشمن خدا کافر شدی و خدا را انکار کردی و... ابن ابی العوجاه در پاسخ به مفضل گفت: اگر تو از متکلمانی با تو بحث می‌کنم و اگر دلیلت را ثابت کردی از تو پیروی می‌کنم، اما اگر از ایشان نیستی سخن مگو، اگر هم از اصحاب جعفر بن محمد هستی باید بگویم وی این گونه با ما سخن نمی‌گفت و مانند تو با ما جدل نمی‌کرد. او بیش از تو سخنانمان را می‌شنید، ولی هیچ‌گاه دشنام نمی‌داد و در پاسخ به ما تعدی نمی‌کرد. بردبار و باوقار و خردمند و متین بود و درشتی و سبک‌سری و تندگی دامن‌گیرش نمی‌شد. (مجلسی ۱۴۰۳ق، ج ۳: ص ۵۸)

به‌هرحال خشونت زبان، برنده‌تر از شمشیر است. با تأسف باید گفت ادبیات دین‌داران بعضاً گزنده و برنده است و این مسئله مانع حق‌پذیری مخاطب می‌شود برای حق‌گویی باید قول سدید گفت نه قول شدید. به قول سعدی:

به شیرین‌زبانی توان برد گوی که پیوسته تلخی برد تندروی (سعدی ۱۳۶۶ ش: ص ۱۲۲)

#### ۱-۴- تصویر نادرست از دین

معرفی امور نادرست و ناستوار و خرافی را به‌عنوان حقیقت دیانت معرفی کردن موجب تنفر و گریز جوانان از دین خواهد شد. چقدر نویسندگان و مستشرقان غربی تصویری غلط و ناروا از اسلام به خورد جوانان مغرب زمین دادند تا آیین نورانی اسلام، موجب بدبینی و دل‌زدگی شود و اسلام به‌عنوان دین خشونت و شمشیر و مذهبی افراطی معرفی شود. امروزه نیروهای مثل داعش، جبهه‌النصره و طالبان و... چهره زشت و نادرست از اسلام و مسلمانان به نمایش می‌گذارند. جنگ و خونریزی و کشتار وحشیانه موجب دل‌زدگی و رمیدگی مردم و جوانان از اسلام عزیز شد؛ دینی که می‌توانست دل‌های خیلی مردمان را در تسخیر خودش قرار دهد. به‌هرحال نباید باورهای غلط و خرافی را به‌عنوان گوهر دین در جان جوان تقویت کرد؛ امیرالمؤمنین می‌فرماید: «قلب جوان مانند زمین بایر است که هرچه در آن افکنده شود می‌پذیرد» (نهج البلاغه: نامه، ۳۱) بذر خرافات بزرگ‌ترین آفت این دوره است. به قول مولوی: مهر اول کی ز دل بیرون رود؟

#### ۱-۵- عمل عالمان

صلاح و فساد جوامع، بیشتر متأثر از عالمان و حاکمان است. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در این باره می‌فرماید: دو گروه از امت من هستند که چون صالح شوند، امتم صالح شوند و چون فاسد شوند، امتم فاسد شوند. گفته شد: ای رسول خدا آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: فقیهان و زمام داران. (ابن شعبه حرانی ۱۴۰۴ق: ص ۵۰)

رفتار و سیره عالمان و مبلغان دین در هدایت و گرایش به انحراف مردم و جوانان، تأثیر بسزایی دارد. بر اساس فرمایش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، صلاح و فساد متولیان دین، امر فردی و شخصی تلقی نمی‌شود؛ بلکه دامن جامعه را نیز می‌گیرد. وقتی جوانی ببیند مدعیان رهبران دینی، به گفتار خویش ایمان ندارد و برخلاف دستورات دینی عمل می‌کند؛ یعنی کردارش با عملش همخوانی ندارد؛ در صداقت دعوت و فایده نصیحتش به شک و تردید می‌افتند و چه بسا موجب انحراف و گریز در دین شود.

## ۲- محور دوم: راهکارهای ترویج و تعمیق معنویت

برای جذب و ترویج تعمیق باورهای دینی جوانان، با توجه به فضای مه‌آلوده که در این دوره، زراندوزان و شیاطین جن و انس بوسیله امکانات مادی و تکنولوژی برای بی‌هویت کردن جوانان و گرفتن ارزش‌های مادی و معنوی آنها به وجود آورده‌اند، توجه به معنویت و ارائه راهکارهایی برای تقویت باورهای مذهبی ضروری می‌باشد در این بخش به برخی از راهکارهای موثر در ترویج و تعمیق معنویت اشاره می‌شود.

### ۱-۲- ارائه‌ی چهره عقلانی و معقول از دین

امروزه متولیان دین باید چهره معقول و خردپسند از اسلام نشان دهند، باید دین را از وجود برخی مطالب خرافی و ضد عقلی پاک کرد چرا که از ویژگی بارز اسلام عزیز عقلانی بودن آن هست، رویکرد مقبول به دین، رویکرد عقلی است نه رویکرد عاطفی، دین را باید زیر چراغ عقل مطالعه کرد نه در سایه احساسات و عواطف؛ نگاه ذوقی و احساسی و برانگیختن احساسات و عواطف جوانان، رویکرد عقلی دین را عاطل می‌گذارد و به احساسات و خیال‌پردازی جوان میدان می‌دهد.

در رویکرد عقلی دین هدف این است که طبق ضوابط منطقی دین را درست بشناسیم و بشناسانیم ولی در رویکرد عاطفی، تعقل و اندیشیدن و منطقی بودن به حاشیه می‌رود و پیامد این رویکرد، تحریف برخی حقایق دینی و مغفول ماندن و بزرگنمایی برخی دیگر است، فی‌المثل در رویکرد عاطفی، برای جلب احساسات مردم، از دو بعد شخصیت امام حسین (علیه‌السلام) (مظلومیت- ظلم‌ستیزی) فقط به مظلومیت آن حضرت نگاه می‌شود، در نتیجه امام حسین (علیه‌السلام) در عزاداری خلاصه می‌شود و بعد دیگر قیامت (ظلم‌ستیزی) مغفول می‌ماند و درسی از آن گرفته نمی‌شود.

بسیاری از مسیحیان به علت شدت تمایلات عقلانی و علمی و روشن فکری خود، مسیحت را به نفع اسلام ترک گفتند؛ زیرا مزایای علمی عقلانی در سرزمین‌های اسلامی تحت تأثیر آزادی‌های علمی و فکری موجود غیرقابل انکار بود. بسیاری از دانشمندان غربی برای تأمین کمبودهای عقلانی و علمی خود، تغییر دین داده و اسلام را پذیرفتند. (عزتی ۱۳۵۴ ش: ص ۵۱) رهبر معظم انقلاب در باب معرفت دینی جوانان، در دومین کنگره دانشجویان فرمودند: شما جوانان در بهار زندگی خود به کسب دانش سرگرمید، اولاً این را مهم شمردید و هرچه می‌توانید از آن برخوردار شوید، عمق بخشیدن به ایمان و دست یافتن به معرفت دینی و مجاهدت برای حفظ طهارت و صفای دل نیز در جوانی از همیشه میسرتر است، در این نیز کوششی درخور بکار برید. (بیانات رهبری در دومین کنگره دانشجویان)

## ۲-۲- تبیین صحیح مفاهیم دینی

یکی از کارهای ویژه متولیان و مبلغان دینی این است که مفاهیم دینی را به گونه رسا و در قالب صحیح ارائه دهند، چراکه قرائت نارسای مفاهیم دینی و ارائه دین در قالب‌های نارسا، موجب آسیب اساسی به دین و حتی گریز از دین می‌شود. شهید مطهری در کتاب انسان و سرنوشت می‌نویسد:

«مسئله علت انکار و اعراض بسیاری از افراد تحصیل کرده، این است که مفاهیم مذهبی و دینی به طرز صحیحی به آن‌ها تعلیم داده نشده است؛ در واقع آن چیزی که آن‌ها انکار می‌کنند، مفهوم واقعی خدا و دین نیست؛ چیز دیگر است.» (مطهری، ۱۳۶۲ ش: ص ۱۰۸)

یکی از ضربه‌هایی که به دین اسلام وارد شد و هنوز هم ادامه دارد، از طریق نارسایی مفاهیم دینی است؛ که نمونه آن در خوارج بود چرا که این گروه تلقی و برداشت متفاوت و نارسا از دین داشتند و تنگ‌نظری خود را بر دین تحمیل می‌کردند و سرانجام در دامان تجر و تمسک خشک و بی‌روح غلتیدند؛ و خسارت جبران‌ناپذیری بر جامعه دینی تحمیل کردند. امام باقر (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید: دین ظرفیت گسترده دارد؛ اما خوارج به سبب جهالت و نادانی‌شان امور را سخت و تنگ گرفتند. (کلینی ۱۴۲۴ق، ج ۱: ص ۴۰۵)

متولیان دین باید مفاهیم دینی را - چه در امور پایه و اصلی دین همچون خداشناسی، نبوت، معاد، امامت و چه در عرصه فردی و اجتماعی و اقتصادی- به صورت رسا و روشن تبیین نمایند. یعنی همچون معصومین با تبیین صحیح مفاهیم دینی؛ دین را از خرافات پیراسته کرده و خدایی به مردم و جوانان معرفی کنند که مهربان است و جز رحمت و محبت در او جلوه نمی‌کند.



در مناجات شعبانیه می خوانیم (الهی لم یکن لی حول فانتقل به عن معصیتک الا فی وقت ایقظتنی لمحبتک. خداوندا من قدرت نداشتم که از معصیت و نافرمانی تو فاصله بگیرم جز در هنگامی که مرا با محبت و رحمت خودت بیدار کردی) (قمی ۱۳۸۹ش: ص ۳۲۵).

همچنین تبیین صحیح در مفاهیمی چون عبادت، شفاعت، ولایت و ... می تواند موجب اقبال بیشتر جوانان به دین شود. مقام معظم رهبری در تبیین مفاهیم اسلامی فرمودند: «اولین انتظاری که از حوزه علمیه و روحانیت می رود، تبیین و تفسیر دین، قرآن و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) است. این مهم پس از انقلاب اسلامی که تشنگان معارف اسلام ناب محمدی از اقصی نقاط جهان مطالبه درک و فهم صحیح آن را می کنند، صدچندان شده است، روحانیت سرباز دین است، از خود منهای دین حیثیتی ندارد. حوزه علمیه و علمای دین پشتوانه هایی هستند که موظفاند نظریات اسلامی را در این زمینه از متون اسلامی الهی بیرون بکشند، مشخص کنند، آن ها را در اختیار بگذارند، برای برنامه ریزی برای زمینه های گوناگون، امروز نیاز وجود دارد، هم برای نظام اسلامی هم در سطح کشور، هم در سطح جهان؛ تبیین معرفت شناسی اسلام، تفکر اقتصادی و سیاسی اسلام، مفاهیم فقهی و حقوقی ای که پایه های آن تفکر اقتصادی و سیاسی را تشکیل می دهد، نظام تعلیم و تربیت، مفاهیم اخلاقی، معنوی و غیره، همه این ها باید دقیق، علمی و قانع کننده و ناظر به اندیشه های رایج جهان آماده و فراهم شود. و این کار، کار حوزه هاست، اگر ما این کار را نکنیم به دست خودمان کمک کرده ایم به حذف دین از صحنه زندگی بشر، به دست خودمان کمک کرده ایم به انزوای روحانیت.» (دیدار با طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم ۱۳۸۹/۷/۲۹)

## ۲-۳- الگوسازی و همانندسازی

در دنیای امروز، به همان نسبت که جهان در راه ترقیات علمی و هنری و کشف رازهای پیچیده طبیعت پیش رفته است، از نظر معنویات و اخلاق هم به عقب برگشته است. به طوری که دنیای امروز به قدری به فساد و سیئات اخلاقی و آشفستگی آلوده شده است که قیافه زندگی اجتماعی و عمومی را زشت و بدمنظر کرده و جمال و صفای زندگانی و معیشت را از بین برده، زورمندان این دوران، تقریباً همه امکانات مادی و تکنولوژی و دستگاه های ارتباطی را به استخدام خود در آورده اند، می کوشند با مباران تبلیغاتی و هجوم وحشیانه فرهنگی، ارزش های مادی و معنوی و حس مذهبی و تعصب ملی جوانان در کشورهای عقب نگاه داشته شده و جهان سوم را، مورد حمله قرار داده و نسبت به هویت واقعی خود بیگانه نمایند.

بی شک الگوسازی و همانندسازی از مهم ترین و اثربخش ترین روش های تأثیرگذار بر امور مذهبی و معنوی جوانان به شمار می رود. هیچ چیز به اندازه عظمت روح بزرگ، انسان را تحت تأثیر قرار نمی دهد. جوان، در پی الگویی است که با معیار و راهنما قرار دادن آن، به چگونه بودن و چگونه زیستن خود، شکل و جهت دهد؛ اما این ویژگی تأثیرپذیری از سرمشق ها، در سنین جوانی بیشتر

است. جوان در دوران جوانی به دنبال هویت است اگر در این دوره از الگو خوب و عظمت روحی برخوردار باشند، می‌تواند با تأسی از این الگو رسم زندگی را بیاموزند. نسل‌ها، نیازها، الگو دارند. امت مسلمان، برای تربیت اسلامی انسانی پیروان اسلام، نیازمند به نشان دادن الگو تربیتی و ارائه قهرمان و نمونه است.

تاریخ اسلام، به‌ویژه تاریخ شیعه، از این الگو و نمونه‌ها فراوان دارد، اما افسوس که تعداد زیادی از این چهره‌ها در تاریخ‌خانه تاریخ مدفون‌اند؛ باید الگوها را یافت و شناخت. یک نمونه از الگوها شهدای دفاع مقدس هستند، جوانانی که با الگو قرار دادن پیرمردشان امام خمینی (رحمه‌الله علیه) ره صدساله را یک‌شبه پیمودند؛ رهبر معظم انقلاب در این باره فرمودند: «معنویت و اخلاق در جامعه به‌گونه‌ای چشمگیر افزایش یافت، این پدیده مبارک را رفتار و منش امام خمینی (رحمه‌الله علیه) در طول دوران مبارزه و پیروزی انقلاب، بیش‌ازپیش گسترش داد... دل‌های مستعد و نورانی به‌ویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدت‌های جوانان در میدان سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد.» (بیانیه گام دوم: ص ۱۳)

#### ۲-۴- بهره‌گیری از شیوه‌های نوین

تبلیغ غیرمستقیم در قالب هنر، قداراست زیباترین و مقدس‌ترین ارزش‌ها و دشوارترین مفهوم دینی و فلسفی را به جامعه منتقل کند و سبب اثربخشی بیشتر و ماندگاری بهتری بر ذهن مخاطب شود. سینما و فیلم می‌تواند بهترین وسایل برای خدمت به گسترش و ابلاغ اسلام باشند. بدون شک نقش فیلمی موفق در جذب جوانان از تأثیر منبر و خطابه بیشتر است. در همین سال‌های اخیر پخش فیلم‌های مذهبی مثل مختارنامه، امام علی (علیه‌السلام)، امام رضا (علیه‌السلام)، تأثیر شگرفی بر جامعه داشت. کارگردان فیلم محمد رسول‌الله (صلی‌الله علیه و آله) -مصطفی عقاد- در تأثیر نمایش این فیلم در میان مردمان آفریقا می‌گوید: «ما پروژکتور را در یک استادیوم ورزشی بزرگ نصب کردیم، رئیس‌جمهور آفریقا به همراه محمد قذافی حضورداشته‌اند، استادیوم هم از شلوغی و کثرت جمعیت غلغله بود. هر وقت چهره بلال روی پرده می‌آمد، همه تماشاچیان یک‌صدا لهله می‌کردند و فریاد می‌زدند وقتی از آنجا برمی‌گشتیم، در هواپیما، قذافی مرا صدا زد و من در کنارش نشستم، او همان‌جا به من گفت که (سینما از تانک هم پرقدرت‌تر است) من همان‌جا بود که تأثیر سینما را روی توده مردم به عینه دیدم و حالا هم همیشه می‌گویم که سینما قدرتمندتر از تانک است.» (مجله سوره، دوره چهارم، شماره ۳، خرداد ۱۳۷۱، ص ۳۵-۳۶)

امروزه همه متفکران و اندیشمندان به نقش رسانه در افکار عمومی اذعان دارند به همین سبب هر مکتبی برای گسترش آیین خود به این روش نوین رو آورده و مکتب خودشان را به این شکل در دنیا گسترش می‌دهند. در این باره مرحوم شریعتی در مورد

مکتب هندوئیسم می‌نویسد: پیشرفت هر مذهبی بستگی به پیشرفت پیروان آن مذهب دارد. این مطلب را ما به خوبی حس می‌کنیم و می‌بینیم که هندوهایی که در نظر مسلمانان تا همین صدسال پیش مظهر انحطاط و عقب‌ماندگی و شرک و گاو پرستی و جهل بودند، هم‌اکنون راجع به مذهب هندو کتاب‌هایی می‌نویسند، فیلم می‌سازند که واقعاً ما را اشباع می‌کنند. در حال حاضر، متفکرین هندو راجع به شرک و خدایان بی‌شمار هند، یک‌جور تلقی و توجیه و تفسیری دارند که در دنیا، در حد عالی‌ترین افکار فلسفی قابل طرح است. (شریعتی، ۱۳۶۹ ش: ص ۶۳)

بنابراین امروزه تنها نباید برای ابلاغ و رساندن پیام دین مبین اسلام به روش سنتی منبر اکتفا کرد، بلکه برای گسترش دین باید با شیوه‌های نوین، در قالب فیلم، داستان و شعر، مجله، ... برای تقویت معنویت و باورهای مذهبی جوانان بهره برد. چراکه امروزه بیشتر جوانان در فضای رسانه حضور بیشتری دارند

مقام معظم رهبری در مورد تبلیغات وسیع دین مسیحیت می‌فرمایند: «آن‌ها بسیاری از فیلم‌ها را ساخته‌اند که ظاهرشان نشان نمی‌دهد؛ اما تبلیغ مسیحیت است. حتی دوستان خود ما در تلویزیون، ایام ژانویه و کریسمس که می‌شود، به مناسبت این‌که عده‌ای از هم‌میهنان ما مسیحی هستند، از روی ملاحظت و یا مثلاً مجادله با آن‌ها، چند فیلم مسیحی و کلیسایی را پخش می‌کنند. من نگاه کردم، دیدم اغلب این‌ها تبلیغ کلیساست آن‌که این فیلم را گذاشته نفهمیده است؛ اما کسی این فیلم را می‌بیند متأثر می‌شود. کشیشی را در یک چهره نورانی نشان می‌دهد که فلان کار را می‌کند و... ایشان در بیانیه گام دوم درباره نقش رسانه‌ها در منحرف کردن معنویت و اخلاق جوانان می‌فرمایند: ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزار را به چشم خود می‌بینیم.» (شورای برنامه‌ریزی مدیریت حوزه علمیه خراسان ۱۳۷۶ ش: ص ۲۳)

## ۲-۵- ایجاد محیط معنوی

محیط و پیرامون انسان تأثیر مستقیمی بر جان و مذهب و آیین آن دارد. معمولاً انسان تابع محیط خود است، بنابراین هرچه اجتماع و محیط پیرامون آن، گرایش به امور متعالی و دینی داشته باشد، افراد آن اجتماع نیز تمایلشان به همان سمت است و

هرچه فضای خانواده و اجتماع چنان باشد که همه از دین و مذهب انزجار و بدگویی کنند خواهوناخواه تأثیر عمیقی بر افکار انسان خواهد گذاشت.

دانشمندان و جامعه‌شناس‌ها می‌گویند: گرچه خانواده و مدرسه، از عوامل نیرومند در پایه‌گذاری شخصیت و تربیت انسان و گرایش افراد به امور دینی است، ولی محیط اجتماع به مراتب قوی‌تر از آن‌ها است. امام علی (علیه‌السلام) در یک بیان نورانی در این باره می‌فرماید: (الناس بزمانهم ائمه منهم و بآبائهم شباهت اخلاقی مردم به محیط اجتماعی و مقتضیات زمان خود، بیشتر از شباهت به صفات خانوادگی و خلیات پدران آن‌هاست.) (ابن میثم بحرانی ۱۳۷۵ش: ص ۹۴) محیط اجتماعی قادر است در جان افراد نفوذ کند و بر رفتار و باورهای مذهب اثر بگذارد و از راه حق و دین منحرفشان سازد؛ تأثیر جو اجتماع تأثیر غیرمستقیم است. جو فاسد اجتماعی، جو روحی را فاسد می‌کند و جو فاسد روحی، زمینه رشد اندیشه متعالی را ضعیف و زمینه رشد اندیشه‌های پست را تقویت می‌کند.

شهید مطهری در این باره می‌نویسد: «یکی از چیزهایی که موجب اعراض و تنفر مردم از خدا و دین و همه معنویات می‌شود، آلوده بودن محیط و غرق شدن افراد در شهوت‌پرستی و هواپرستی است. محیط آلوده، همواره موجبات تحریکات شهوت و تن‌پروری و حیوان‌صفتی را فراهم می‌کند.» (مطهری ۱۳۶۲ش: ص ۱۰۸)

به‌هر حال یکی از راه‌های تقویت معنویت و باورهای مذهبی برای جوانان محیط معنوی اطراف وی است، باید محیط اطراف و پیرامون جوان را از معنویت پرکرده تا گرایش به امور متعالی و دینی پیدا کند و محیط اطراف او اعم از خانه، محله و مدرسه را از هر آلودگی که به جان و افکار و باور مذهبی‌اش ضربه می‌زند پاک کنیم تا خودش راه سعادت را بیابد.

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم می‌فرماید: «باید عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه به‌گونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی (رحمه‌الله علیه) در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد؛ آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هرچند دست تطاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بند باری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجنزاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و به‌خصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی به‌ویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد.» (بیانیه گام دوم)

ایشان در اهمیت معنویت در جامعه می‌فرمایند: «معنویت و اخلاق، جهت دهنده‌ی همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آن‌ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیقی چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را به‌زور و فریب، جهنمی کنند.» (بیانیه گام دوم)

## ۲-۶- تکریم و هویت بخشی

یکی از وظایف مهم در تعلیم و تربیت یک نسل، تکریم و گرامی داشتن آن است؛ پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌و آله) حتی کودکان را به اسم صدا نمی‌زد؛ بلکه آنان را با کنیه مورد خطاب قرار می‌داد؛ به آن‌ها سلام می‌کرد و حق آنان را پاس می‌داشت. مثلاً نوجوانی از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و آله)، ظرف آبی را که پیامبر از آن نوشیده بود، درخواست کرد. در همین هنگام افراد بزرگ‌تر نیز تقاضا کردند؛ ولی حضرت فرمود: باید نوبت آن نوجوان محفوظ بماند. (قرائتی ۱۳۹۳ش: ص ۵۰-۵۱)

مقام معظم رهبری در مورد نیاز مهم جوانان فرمودند: «راجع به نیازهای جوان‌ها زیاد صحبت می‌شود من گفته‌ام، قبل از من هم گفته‌اند؛ اما می‌دانید از نظر من مهم‌ترین نیاز جوانان چیست؟ نیاز عمده‌ی جوانان، هویت است. باید هویت و هدف خود را بشناسد، باید بداند کیست و برای چه می‌خواهد کار و تلاش کند، دشمن می‌خواهد هویت جوان ایرانی را از او بگیرد اهداف او را از بین ببرد، فضا را تیره کند، به او بگوید تو یک موجود حقیر و محدود هستی پیش من بیا تا تو را زیر بال‌وپر بگیرم.» (مصلاهی رشت، دیدار با جوانان، اردیبهشت ۱۳۸۰)

بزرگ‌ترین مصیبت یک جامعه بی‌هویت و بیگانه شدن از جامعه و فرهنگ خویش است؛ در این میان غرب و دشمنان این سرزمین تمام همتشان را صرف خود بیگانگی جوانان کردند؛ شریعتی در این باره می‌نویسد: «غرب امروز در پی از بین بردن ماهیت آدمی و هویت آدمی است. این عصر، عصری است که ویژگی‌های خاص خودش را دارد، عصری است که تصاعد پلیدی به اوج خود رسیده است و از سوی دیگر آزادی و عدالت به اوج خود و در طول تاریخ هرگز چنگیزی تا بدین غایت که این‌ها می‌کنند، در

جهان، چنگیزی نکرده است و نمی‌توانسته بکند و نمی‌دانسته است چه کند و چگونه، چنگیز دیروز سلاحش شمشیری بوده است و مرکبش اسبی و نقابش و دفاعش سپری و همین؛ اما چنگیز امروز، مرکبش صنعت است و سرمایه و شمشیرش علم است و نقابش آزادی، انسان دوستی، تمدن، پیشرفت، صلح، سوسیالیسم، حقوق بشر، لیبرالیسم، اومانیزم، چنگیز دیروز مفاصل اعضا یک پیکر را می‌گسست و امروز پیوند عمیق و قدسی روح را، چنگیز دیروز سر از تن جدا می‌کرد، چنگیز امروز فطرت آدمی را از تنش، چنگیز دیروز خانه‌ها را بر سر خلق فرومی‌کوفت، چنگیز امروز جهان را، آسمان را، عشق را، ایمان را و هرچه را که آدمی در پناه آن آدمی می‌تواند بماند، بر سرش آوار می‌کند. چنگیز دیروز جامه را از تن آدمی بدر می‌کرد و می‌ربود، چنگیز امروز ماهیت آدمی را و هویت آدمی را.» (شریعتی ۱۳۶۱ش: ص ۳۵۱-۳۵۲)

باید به خویش و به هویت خود برگردیم نه اینکه گذشته‌گرا باشیم، خویش را ترک نکنیم اصالت پیدا کنیم و شخصیت انسانی نیرومند و قوی خود را حس کنیم، به خود ایمان داشته باشیم. اگر انسان و یک جامعه‌ای برای خود ارزش قائل بشود، هرگز تسلیم هر حرف و شعار و موجی نمی‌شود استقلال و ارزش‌های خود را حفظ می‌کند. ملت با بصیرت ایران با همه سختی‌ها و فراز نشیب توانست آزادی و استقلال خود را به دست بیاورد باید این میراث بزرگ را با تمام قوا و استواری حفظ کند. رهبری معظم در بیانیه گام دوم در این باره می‌فرماید:

«استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت سلطه‌گر جهان است؛ و آزادی اجتماعی به معنی حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همین افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله‌ی ارزش‌های اسلامی‌اند و این هر دو عطیه الهی به انسان‌هایند... ملت ایران با جهاد چهل‌ساله‌ی خود از جمله‌ی آن‌ها است. استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی، دستاورد، بلکه خون آورده‌ها هزار انسان والا و شجاع و فداکار است؛ غالباً جوان، ولی همه در رتبه‌های رفیع انسانیت. این ثمره شجره‌ی طیبه انقلاب را با تأویل و توجیه‌های ساده‌لوحانه و بعضاً مغرضانه، نمی‌توان در خطر قرار داد. همه موظف به حراست از آن با همه وجودند.»

## ۲-۷- دشمن‌شناسی

دشمنان با ترفندهای مختلف مثل تهمت، دروغ، القای شبهه، تصویر نادرست و غیر واقعی از دین به مردم و جوانان ارائه داده تا از گرایش به دین اسلام بازدارند.

استعمار و دشمنان اسلام برای بدنام کردن و بی‌رغبت کردن مردم به اسلام به هر وسیله‌ای تمسک جستند. چرا که اسلام را بزرگ‌ترین مانع برای منافع خودشان می‌دیدند. (گلاد ستون) نخست‌وزیر دولت بریتانیا در زمان ملکه ویکتوریا درحالی‌که در یک‌دست قرآن داشت، با دست دیگر با اشاره به نمایندگان گفت: تا این کتاب در میان مصری‌هاست (منظورش همه مسلمانان است)، برای ما در این بلاد، آرامش نیست.

در نتیجه سیاست بریتانیا از چند جهت آغاز شد:

۱- سست کردن اصول دین در نظر مردم

۲- کشتن روح تقوا و پاک‌دامنی در نهاد مسلمانان.

۳- زشت جلوه دادن چهره اسلام، در نظر پیروانش تا موجب بدبینی و گریز مسلمانان شود. (سید قطب ۱۳۸۰ ش: ص ۱۰)

امروزه دشمنان اسلام برای تسخیر جان‌های جوانان با سرمایه‌گذاری فراوان و هزینه‌های زیاد و تبلیغات فراوان در رسانه‌ها و شبکه افکنی سعی بر سلطه‌جویی و غارت سرمایه‌های فکری یعنی جوانان را دارند؛ باید چاره‌اندیشی کرد، آن چه اهمیت دارد مقابله هوشمندانه و هدفمند جامعه اسلامی با این مسئله مهم است، باید روش‌های دشمن را در عرصه فکری و فرهنگی شناخت و با توجه به روش‌های دشمن، راهکار مقابله را ارائه کرد. غفلت در این زمینه سبب از بین رفتن قشری عظیم از جوانان پرنشاط در جامعه خواهد شد.

رهبر فرزانه انقلاب در بیانیه گام دوم، به اقدامات دشمن با ترفندهای گوناگون در برابر ملت ایران، توصیه‌هایی به جوانان می‌فرماید: «در طول این چهل سال و اکنون مانند همیشه سیاست تبلیغی و رسانه‌های دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه همیشگی هزاران رسانه‌ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره اقتصادی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس‌نومیدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شماست. نشانه‌های امیدبخش در برابر چشم شماست. رویش انقلاب بسی فراتر از ریزش‌ها است.»

به‌هرحال دشمنان با نقشه‌ها و اعمال شیطانی خویش به طرق مختلف؛ گاهی با تحلیل مغرضانه؛ گاهی با مایوس سازی مردم، مسئولین و مردم از آینده، یا از طریق وارونه نشان دادن واقعیت، یا با پنهان کردن جلوه امید از طریق نقاط ضعف و شکست خودی‌ها و بزرگ‌نمایی دشمنان، قصد تضعیف نظام و سست کردن بنیان نظام اسلامی و دور کردن جوانان از اسلام دارند؛ بنابراین باید کید دشمنان را برای جوانان تبیین کرد و در برابر تبلیغات دشمنان به سلاحی برای خنثی کردن آن مجهز شد.

### ۳- معنویت در بیانیه گام دوم انقلاب و بیان راه‌کارها

از مباحث مهمی که رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب مطرح فرمودند معنویت هست.

رهبر معظم انقلاب در این بیانیه فرمودند: «معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است و اخلاق به معنی رعایت افضلیت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راست‌گویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت دهندهٔ همه‌ی حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آن‌ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند.»

شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند.

اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این‌باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند.

ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این‌باره وظایفی سنگین بر عهده‌دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیر حکومتی نیست. در دوره‌ی پیش‌رونده باید در این‌باره برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود.



در موضع معنویت و اخلاق نیز باید گفت: بی تفاوتی جدی به موضوع «تهاجم فرهنگی» سبب شد تا با اوضاع غیرقابل قبول کنونی برسیم. وضعیت حجاب دختران و بی‌ثباتی اخلاقی پسران هرچند مطلق نیست و جامعیت ندارد اما باید این را بپذیریم که این مقدار از سو اخلاق نیز شایسته ایران اسلامی نیست. تأکید مداوم مقام رهبری بر تهاجم فرهنگی و بی‌توجهی ما چه مردم و چه مسئولان به این امر مهم سبب شد که با ولنگاری فرهنگی روبه‌رو شویم.

وجود معنویت و اخلاق است که به علم و اقتصاد و عدالت و آزادی و سبک زندگی جهت می‌دهد. بعید نیست که ما روزی در حوزه علم از غرب پیشی بگیریم اما این پیشرفت بدون معنویت و اخلاق ثمری نخواهد داشت. آیا پیشرفت بدون توجه به اخلاقیات می‌تواند تضمین‌کننده این باشد که در چاهی نیافتیم که غرب گرفتار آن است. این نکته مهم را نیز باید گفت که اخلاقیات را چگونه و با چه ایدئولوژی و مکتبی باید تعریف کرد؟

چندگانگی از تعریف اخلاق و معنویت است که با همه پیشرفت علمی در غرب می‌بینیم سبب شده تا غرب با بحران اخلاقی روبه‌رو شود. از همین روست که امام راحل می‌فرمایند همه‌چیز باید اسلامی شود. از سیاست و فرهنگ و هنر و اقتصاد و ورزش و مدرسه و دانشگاه تا جزئی‌ترین مسائل خانواده باید رنگ و بوی اسلامی به خود بگیرد.

وقتی در دانشگاه و مدارس بر اخلاق اسلامی تأکید می‌شود اما سینمای کشور ساز دیگری می‌زند و با انبوه رمان‌های سخیف و مبتذلی روبه‌رو می‌شویم که ترویج روابط خارج عرف دختران و پسران را ابزاری فروش قرار داده‌اند از جوانان چگونه می‌توان انتظار داشت که متخلق به اخلاق اسلامی شوند.

با این همه فراوانی جوانان در اعیاد مذهبی و ایام سوگواری اهل بیت (علیهم السلام) و حضور چشمگیر میلیونی در و پیاده‌روی اربعین که دشمنان را به وحشت انداخته امیدبخش و غرورآفرین است. برکات این اتفاق عظیم قطعاً انقلاب و آینده نظام اسلامی را از آفات بسیاری مصون خواهد کرد. این فرهنگ عاشورایی با حضور همین جوانان باید در دل جامعه جوان ایرانی با همه طیف‌ها و جناح‌ها و سلاقی مختلف نهادینه شود.

در این بیانیه، گرچه رهبری محورهای زیادی را مورد توجه قرار ندادند اما وقتی موضوعی را به‌عنوان توصیه عملیاتی برای تمدن‌سازی اسلامی مطرح می‌کنند، نشان می‌دهد که این موضوع از اولویت‌های خاص است که مقام عظمای ولایت در سطوح عالی نظام به آن رسیده‌اند؛ که اگر قرار است معنویت را به‌عنوان راهبرد اصلی و جهت‌گیری رویکرد اسلامی سازی تمدن قرار دهیم، باید به این موضوع توجه کنیم که ابعاد معنویت سازی دین اسلام چیست و چه جنبه‌هایی از مکتب اصلی تشیع و ابعاد برجسته دین وجود دارد تا قرائت معنویت‌گرایان از دین ارائه می‌کنیم.

#### ۴- محبت و عاطفه در آموزه‌های دینی

آن‌طور که برای سایر مباحث وقت و هزینه گذاشته شده است برای بحث معنویت در جامعه ارزش و هزینه لازم نشده است تا بحث معنویت در جامعه که قوام جامعه اسلامی هست به مرحله بروز و اجرایی برسد تا دولت یا جامعه اسلامی نیز به راحتی محقق شود. یکی از ابعاد مهم در قرائت معنویت‌گرایان از دین، توجه به موقعیت حب و محبتی است که در دین و از منظر تشیع به آن توجه شده است؛ بعد تأکید دین بر عنصر محبت و اینکه محبت کانون اصلی جهت‌گیری دینی است. متأسفانه امروز حالت خشن و جدی نسبت به دین مطرح می‌شود و بعد محبت و عاطفه مورد عنایت قرار نگرفته و این در حالی است که در آموزه‌های دینی این مسئله از توصیه‌های در صدر است. همان‌طور که در روایات ما به‌طور مفصل اشاره شده است؛ از جمله آن روایتی است که؛ شخصی از خراسان و با سختی زیاد به سمت مدینه و دیدار امام محمد باقر (علیه‌السلام) می‌رود، در دیدار حضرت، نعلین خود را درمی‌آورد و پاهای خود را به امام نشان می‌دهد و می‌گوید: مرا به اینجا نکشاند مگر محبت شما؛ به‌گونه‌ای که آرام و قرار را از من گرفت تا شما را ملاقات کنم، حضرت فرمودند: «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ» (مجلسی همان، ج ۲۷: ص ۹۵)؛ آیا دین غیر از محبت نسبت به خدا و در راه خدا و دشمن داشتن به خاطر خداوند و دوری از دشمنان خداوند متعال است؟»

#### ۵- مبارزه با معنویت‌های نوظهور

معنویت گمشده انسان است همه انسان‌ها در پی دستیابی به این مهم هستند اما از این میان برخی افراد به‌جای انتخاب راه اصیل و صحیح معنویت خواهی، به فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی روی می‌آورند. این امر منجر به شکل گرفتن معنویت‌های شیطانی شد تا به شکل مقطعی و مجازی به این نیاز بشر پاسخ دهد. در واقع این معنویت‌ها در تلاش هستند که به‌عنوان مسکن و مخدر عمل کنند تا انسان به‌صورت موقت آرام بگیرد. البته این آرامش مقطعی است و ماندگاری ندارد. در معنویت‌های نوپدید افراد به‌ظاهر به شادکامی، شادابی می‌رسند؛ اما این معنویت کاذب، فرد را مسئولیت‌گریز بار می‌آورد. او را به درون خودش توجه می‌دهد و از دیگران غافل می‌سازد. «اینکه به خودت برس و از دیگران فارغ باش» را شعار خودشان انتخاب کردند و به‌جای خداباوری و خدامحوری به خودمحوری و انسان‌محوری روی آورده‌اند؛ درحالی‌که انسان جزئی از هستی است. اینکه به خودت برس و از دیگران فارغ باش را شعار خودشان انتخاب کردند و به‌جای خداباوری و خدامحوری به خودمحوری و انسان‌محوری روی آورده است. معنویت اصیل و حقیقی انسان را مسئولیت‌گرا بار می‌آورد. در معنویت‌های دروغین که انسان‌محور است، همه باید در خدمت انسان باشد؛ بنابراین کوه، دریا و محیط‌زیست را آلوده و نابود می‌کند؛ زیرا خود را تنها محور قرار داده است.

رهبری معظم با اشاره به نقش عالمان دینی در مقابله با معنویت‌های دروغین فرمودند: این عالمان دینی به‌عنوان سدی در برابر معنویت‌های نوپدید مطرح هستند، زیرا انسان‌ها را به خدا توجه می‌دهند. همچنین معنویت‌های نوپدید به تمام ابعاد انسان توجه

نداشته، بلکه به یک بعد توجه کردند و برای اینکه این بعد را تقویت کنند، نیاز دارد که خرد و تفکر انسان را کنترل کند. لذت‌گرایی و شادکامی این نوع معنویت بر پایه مسائل جنسی و مادی است که به‌عنوان هدف برای مخاطب مطرح می‌شود. ذهن بشر را درگیر لذت‌های جنسی و مهم‌ترین مسئله او عنوان می‌کنند تا به این وسیله ذهن جامعه را از هدف اصلی منحرف سازند و یک شادکامی کاذب را تزریق کنند. رهبری با بیان اینکه رهبران جریان معنویت‌های نوپدید، افراد را به روی آوردن به شادی‌های بی‌هدف تشویق می‌کنند که با ارزش‌های فرهنگ ایرانی اسلامی ما سازگاری ندارد. بی‌توجهی به ارزش‌های انسانی، معنوی، ملی و اخلاقی و جایگزین کردن ارزش‌های غیر واقعی در بعضی از معنویت‌ها موجب جابجایی ارزش‌ها و هدف‌ها برای انسان می‌شود که ممکن است منجر به نابودی وی شود. در معنویت‌های دروغین انسان را به‌گونه‌ای پرورش می‌دهند که فقط نقاط قوتش را ببیند که نتیجه آن غرور، ایستایی و درجا زدن آدمی است. در معنویت‌های دروغین سعی می‌کنند انسان را به‌گونه‌ای پرورش دهند که فقط نقاط قوتش را ببیند؛ به‌گونه‌ای که گویا هیچ نقطه‌ضعفی ندارد که نتیجه آن غرور، ایستایی و درجا زدن آدمی است. درحالی‌که در معنویت اسلامی، محاسبه، ارزیابی، مراقبه و حتی محاکمه نفس از خود را داریم که به تعالی انسان و رفع نقطه‌ضعف‌ها و تبدیل آن به نقطه قوت منجر می‌شود. از این‌رو است که رهبری در بیانیه گام دوم معنویت برخاسته از عقلانیت را به‌عنوان محور پیشرفت انقلاب و حرکت پیش رو مطرح می‌سازند. انسان تا در حریم و حصار از معنویت قرار نگیرد، نمی‌تواند حرکتی الهی کند که ندای آن «الی ربهم یرجعون» است و این نقطه تمایز تمدن اسلامی نوین در مقابل تمدن شیطانی غرب است که بر محور غرور برخاسته از رفاه و شادی‌های ظاهری انسان شکل گرفته است و ندای «انا ربکم الاعلی» فرعون‌ی سر می‌دهد.

به‌طور خلاصه این‌که در واقع؛ انقلاب اسلامی با نظریه ولایت فقیه ارائه دهنده نوعی از معنویت اجتماعی به جهان معاصر است که بر قرائت شیعی بر مدار فقه می‌چرخد. در واقع بیانیه گام دوم انقلاب جمع بین معنویت و اخلاق بوده و به دنبال تثبیت فضائل اخلاقی و جایگاه معنوی انسان است. بیانیه گام دوم انقلاب جمع بین معنویت و اخلاق بوده و به دنبال تثبیت فضائل اخلاقی و جایگاه معنوی انسان است؛ که شالوده اصلی این بیانیه، معنویت توحیدگرای اجتماعی است. معنویت برآمده از فقه و عرفان اسلامی، البته عرفانی که آبشخور عقلانی داشته و منبعث از وحی الهی است. عرفانی که تمام دعوت‌ها و کشش‌هایش الهی و به‌سوی پروردگار با کنترل غرایز انسانی و هدایت آن‌ها است. معنویت‌ی که امروز گمشده بشر و انسان قرن بیست و یکم در تکاپوی یافتن آن است و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ترسیم‌کننده و جهت دهنده و سرعت بخش آن است.

## ۶- نموده‌های گسترش معنویت در جامعه

دوران امروزی، یک دوران چهل ساله به هم پیوسته است و هرزمانی به نحوی خود را بروز و ظهور داده است. نگاه رهبری این است که رونق حضور در مساجد بیشتر شده و بعد از انقلاب مساجد بیشتری ساخته شد و رونق گرفت. در ادارات بحث نماز بسیار مورد توجه قرار گرفت و این از جمله جلوه‌های معنویت است، چنانکه در مدارس و دانشگاه‌ها نیز همین‌طور بوده است. حوزه‌های علمیه نیز یکی از نمادهای اقبال مردم نسبت به دین هستند. وقتی جوانان ما اقبالشان نسبت به دین بیشتر می‌شود به حوزه‌های علمیه رجوع می‌کنند؛ بنابراین شاهد این هستیم که حوزه‌های علمیه شیعی گسترش پیدا می‌کنند و دانشگاه‌های ما نیز با توجه به کثرت اقبالی که دارند همین مسیر را طی کرده‌اند و دانشجویان به این سمت سوق داده شده‌اند. در اوایل انقلاب، جهاد سازندگی را داشتیم که یکی از نمادهای معنوی است. اینکه یک عده جوان مخلص به مناطق محروم بروند، جنبشی ایجاد شود و کمک به محرومان صورت گیرد، تجلی معنویت است؛ اما آیا این مسئله تمام شد؟ بنا به شرایط، جهاد سازندگی با این عنوان به عنوان یک سازمان حذف و به شکل دیگری کارش را ادامه داد، اما امروزه اردوهای جهادی به وجود آمده که در ادامه همان حرکت است. همچنین بحث زیارت را داریم که بسیار گسترده شده و رونق پیدا کرده و اگر پیش‌از این، کمتر بدان بها داده می‌شد بعد از انقلاب رونق گرفت. هرساله آماري که برای زیارت به مشهد ارائه می‌شود، از سال قبل بیشتر است و این مورد یکی از جلوه‌های معنویت است

## نتیجه

عزت و شوکت به دست آمده در چهل سال اول انقلاب اسلامی - بعد از فراز و نشیب، برای ادامه و تداوم این حرکت - نیازمند برداشته شدن گام محکم و استواری است که ناخدای روشن ضمیر انقلاب، با نگارش بیانیه گام دوم، با تکیه بر تجربه‌ها در چهل ساله اول انقلاب چراغ راهی را برافروخته‌اند تا در پرتو آن مسیر حرکت مردمان سرزمینمان به‌ویژه جوانان کشورمان ایران روشن شود.

از شاخص‌هایی که امام خامنه‌ای در بیانیه گام دوم به عنوان راهبرد و سیاست کلان جمهوری اسلامی ایران مطرح نمودند، بحث و کلیدواژه "معنویت" است. حقیقت این است که معنویت، گمشده قرن حاضر است و جامعه صنعتی زده، راحت طلب و مادی‌گرای بشری در قرون اخیر بیش از گذشته به جای پرداختن به این نیاز مهم بشری، به اهداف پیشرفت اقتصادی و فناوری پرداخته است. البته یکی از ابعاد معنویت‌گرا در حوزه دین، قرائت بعد عاطفی و احساسی دین است و اگر بتوانیم حس عاطفی را در درون

خود تقویت کنیم، با یاد خداوند دل ما آرام می‌گیرد. رهبر معظم انقلاب، در بیانیه گام دوم به‌درستی به این ضرورت که نیاز بشر امروز است پرداخته‌اند و انقلاب اسلامی را احیاگر معنویت در دنیای نوین معرفی کرده‌اند.

بزرگ‌ترین سرمایه و نیرو اجتماعی در همه عرصه‌ها، جوان و نیروی جوانی است. باید این سرمایه گران‌بها حفظ و از این نیرو نهایت بهره را برد و از همه آسیب‌ها و آفات که معمولاً در این دوران اتفاق می‌افتد او را دورنگه داشت و متولیان فرهنگی و دینی و حاکمان اسلامی و همچنین خانواده‌ها و کسانی که دغدغه فرهنگ و دین‌دارند، باید برای تقویت باورهای مذهبی و تعمیق ایمان و معنویت راهکارهای همچون، نشان دادن چهره عقلانی و معقول از دین، تبیین صحیح مفاهیم دینی، الگوسازی و همانندسازی، بهره‌گیری از شیوه نوین در رساندن پیام دین، ایجاد محیط معنوی، تکریم کرامت بخشیدن به نسل نو و جوان، تقویت دشمن‌شناسی و توطئه‌های آن، در فضای مه‌آلوده این دوران، برای دهه پنجم انقلاب این راهکارها را مورد توجه و عنایت قرار دهند.

و در آخر این که شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند؛ اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند.

فهرست منابع

- ۱) قرآن کریم
- ۲) سید رضی، (۱۳۸۴ش)، نهج البلاغه، ترجمه دکتر شهیدی، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، قم.
- ۳) ابن شعبه الحرانی، (۱۴۰۴ ق)، تحف العقول عن آل الرسول، تصحیح علی اکبر الغفاری، چاپ دوم، موسسه نشر اسلامی، قم.
- ۴) ابن میثم، (۱۳۷۵ش)، شرح نهج البلاغه، بنیاد پژوهشهای آستان قدس، مشهد.
- ۵) اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱ق) کشف الغمه، مکتبه هاشمی، تبریز.
- ۶) بایستگی‌های حوزه از نگاه رهبری، شورای برنامه‌ریزی مدیریت حوزه علمیه خراسان، شهریور، ۱۳۷۶ ش.
- ۷) سید علی خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب.
- ۸) سید قطب (۱۳۸۰ ش)، اسلام و نابسامانی‌های روشنفکران، ترجمه محمدعلی عابدی، نشر انقلاب، تهران.
- ۹) شریعتی، علی، (۱۳۶۱ ش) انسان بی‌خود، انتشارات قلم، تهران.
- ۱۰) شریعتی، علی، (۱۳۶۹ ش) خود سازی انقلابی، انتشارات الهام، تهران.
- ۱۱) شهید ثانی، زین‌الدین، (۱۴۰۹ق)، حقائق الایمان، به کوشش مهدی رجایی، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، قم.
- ۱۲) فرانکو مارتینلی، (۱۴۰۴ ق)، تاریخ تفتیش عقاید، ترجمه ابراهیم صدقیانی، چاپ دوم، موسسه نشر اسلامی، قم.
- ۱۳) فیض الاسلام، سید علینقی، (۱۳۶۵ش) ترجمه و شرح نهج البلاغه، {بی نا}، تهران
- ۱۴) کلیات سعدی، (۱۳۶۶ ش)، تصحیح محمدعلی فروغی و استاد عبدالعظیم قریب، اقبال، تهران.
- ۱۵) کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۴ ق)، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام)، قم.
- ۱۶) عزتی، ابوالفضل، (۱۳۵۴ش) مقدمه ای بر تاریخ و علل و فلسفه نشر اسلام، قم، دارالتبلیغ اسلامی،
- ۱۷) م. فرآل، (۱۳۵۹ش)، دادگاه تفتیش عقاید، ترجمه دکتر لطفعلی بریمانی، انتشارات توس، تهران.
- ۱۸) قمی، شیخ عباس، (۱۳۸۹ش)، مفاتیح الجنان، ترجمه الهی قمشه ای، فاطمه الزهرا (سلام الله علیها)، قم.
- ۱۹) قرآنتی، محسن، (۱۳۹۳ش)، شیوه های دعوت به نماز، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، تهران.
- ۲۰) مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، بحار الانوارالجامعه لدور اخبار الائمه الاطهار، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- ۲۱) مطهری، مرتضی، (۱۳۵۷ ش)، علل گرایش به مادیگری، انتشارات صدرا، تهران.
- ۲۲) مطهری، مرتضی، (۱۳۶۲ش)، انسان و سرنوشت، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
- ۲۳) مطهری، مرتضی، (۱۳۸۹ش)، مجموعه آثار، صدرا، تهران.

## Strategies for promoting and deepening spirituality among young people based on the statement of the second step of the revolution

Seyed Sajjad Jafari <sup>1</sup>, Mehdi Mehjouri <sup>2</sup>

<sup>1</sup> Department of Islamic Studies, Farhangian University of Qom (corresponding author  
sayyedjafari313@gmail.com)

<sup>2</sup> Department of Islamic Studies, Farhangian University of Qom

### Abstract

This article examines the strategy of promoting and deepening spirituality among young people in today's foggy atmosphere based on the statement of the second step of the revolution, the necessity of this research is how to promote spirituality and strengthen religious beliefs among young people; one of the indicators that the leadership in the statement of the second step as a strategy and the grand policy of the Islamic Republic of Iran, the category is "spirituality". The truth is that spirituality is missing in the current century and the industrialized, comfort-seeking and materialistic human society has focused on the goals of economic and technological progress in recent centuries instead of addressing this important human need. The supreme leader of the revolution, in this statement, has correctly addressed this necessity that is the need of humanity today and has introduced the Islamic revolution as a revival of spirituality in the new world. For this purpose, in the first part, this article deals with some of the factors that cause aversion to religion among the young generation, and in the second part, strategies for attracting, tending and strengthening spirituality in the fifth decade of the revolution (such as the correct explanation of religious concepts, showing a rational face of religion, Strengthening hostility among the youth, using a new method in the propagation of religion, creating a spiritual environment among the youth. It should be noted that this research investigates the above factors by using descriptive and analytical methods based on library studies.

**Keywords:** promotion, deepening, spirituality, youth, second step of the revolution, leadership statement.